

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

هیواد وال کابلی  
۲۷ سپتامبر ۲۰۱۰

## انعکاس رساله «خورشید خراسان...» در رسانه ها سه سال بعد از مرگ نویسنده آن

«اقتباسی» را که مؤرخ سپتامبر امسال بود چند روز پیش در سایت «افغان جرمن آنلاین» مطالعه نمودم. از یک جانب ظهور دوباره آن رساله پرارزش و افشاءگرانه باعث خوشی ام شد ولی از جانب دیگر، نبودن نویسنده آن که دیگر ممکن نیست نثر و نظمش را غذای روح ساخت، موجب تازه شدن اندوه و تأثر من گردید. آنچه بیشتر مرا ناراحت ساخت، بی مسؤولیتی سایت «افغان جرمن آنلاین» در «اقتباس» آن نوشته ارزشمند است. این درست است که خلاف معمول و با اخلاق عالی و انساندوستی بی شائبه ای که نویسنده رساله داشت، خلاف معمول، حق چاپ و تکثیر آن را آزاد گذاشته است ولی به هیچ وجه آرزویش نبوده که به جای اقتباس، در اثرش تشبیه صورت گیرد. منظور این است که نوشتن با اسم مستعار و آزاد گذاشتن حق چاپ و تکثیر این معنی را نمیدهد که هر کس هر چه خواست با اثر نویسنده انجام دهد. حدس قرین به واقعیت این است که سایت «افغان جرمن آنلاین» به دلیل نام مستعار، از مرگ نویسنده آگاه نبوده اند که قابل فهم است ولی با آنهم، آیا می توان در زمان حیات کسی بر شکل و محتوای اثر وی تصرف رواداشت؟

با خواندن «اقتباس» اثر آقای «سهراب» در سایت «افغان جرمن آنلاین» به انسان این تصور دست می دهد که «سهراب» خود برش هائی از اثر خود را به «افغان جرمن آنلاین» فرستاده است. همچنان «خورشید خراسان» را که واژه های زبر و عمده عنوان اثر است، حذف نموده اند. آیا منظور «از خود» جلوه دادن اثر است؟ زیرا اتهام سرعت ادبی به دلیل آزاد بودن چاپ و تکثیر مطرح بوده نمی تواند. فزون بر این، گردانندگان سایت متذکره پاراگراف های رساله را مطابق میل خود تغییر داده اند (تا باز هم اثر «از خود» جلوه کند؟). من که امروز رساله «خورشید خراسان» از شخصیت سازی دروغین تا قهرمان پرستی تهوع آور «سهراب» را دوباره مرور نمودم و بعداً با «اقتباس» سایت «افغان جرمن آنلاین» مقایسه نمودم، در یافتن سرنخ مشکل داشتم. بر این نکته هم نمی توان سخت گرفت. ولی چه توجیهی می توان برای دونگته پائین یافت:

۱) سایت «افغان جرمن آنلاین» مقدمه و عنوان آخرین بخش را برگزیده است. در مقدمه (شاید هم در سراسر «اقتباس») بعضی کلمات را به صلاحیت خود تغییر داده اند (خواسته اند نوشته را که در مجموع کوتاه است «خلاصه» بسازند؟). مگر سؤال برانگیزترین نکته این است که چرا سایت «افغان جرمن آنلاین» سطور پائین مقدمه را حذف نموده است:

«... از خیل اینهمه کرگسان چون گلبدین ، ربانی ، سیاف ، مزاری ، خلیلی ، کریمی ، مجددی و... و قومندان و لاردهای جنگی چون دوستم ، مسعود ، حقانی ، عصمت مسلم ، تورن اسماعیل ، حاجی قدیر ، قاری بابا ، زرداد ، عطا و... نگارنده این سطور سرگذشت قومندان شدن یک تن از آنانرا که پیروان و حامیان بین المللی اش اورایک سروگردن بلندتر از همقطاراناش می دانند در قید قلم در آورده است.»

متعاقب آن ، آخرین عنوان رساله جلب توجه می کند ولی محتوای آن با آنچه در رساله است سرنمی خورد. از آنجائیکه سایت «افغان جرمن آنلاین» خودسرانه سلسله پاراگراف هارا به هم زده است ، من ضرورت پیوندیابی را ندیدم و به همین اکتفاء کردم که نوشته از خود نویسنده اصلی است و لو آنقدر قیچی و بُرش شده و بر کلمات آن تصرف صورت گرفته که نزدیک به غیر قابل شناخت شدن است. ولی ابتکار جالب دیگری هم به خرچ داده شده و آن اینکه آخرین جمله مقدمه به عنوان حسن اختتام در نقطه پایان «اقتباس» جاداده شده است:

«... نگارنده اگر توانسته باشد گوشه بسیار کوچکی سرشت و سرگذشت و کارنامه یکتن از این لاردهای جنگی را بیان نموده باشد به آرامش وجدان و خاطر دست یافته است.»

۲) خبط دیگری که جفای بیحد در حق نویسنده است ، درج کله مونتاز شده احمدشاه «مسعود» در عکس حبیب الله کلکانی («بچه سقاء») و حواریون است. با وجودی که جملات آقای «سهراب» در نکوهش قومگرائی ، منطقه گرائی ، تفرقه افگنی و دشمنی با وحدت ملی با رنگ آبی درشت ساخته شده اند و چنین برمی آید که هدف تأیید آن افکار پسندیده و ملی نویسنده است ولی درج خود سرانه و مغرضانه آن تصویر ، عکس هدف والای نویسنده را تداعی نموده و تفرقه و حس نفرت میان ملیت پشتون و ملیت تاجک (رویدادهای آخر دهه ۱۹۲۰ میلادی در افغانستان و شاید هم...) را دامن می زند. هیچکدام از دو نکته بالا مطابق اخلاق خبرنگاری و مقررات بین المللی در زمینه نمی باشد. امید در آینده مسئولین سایت «افغان جرمن آنلاین» (و هم دست اندرکاران سایت های کم توجه به امانتداری اندوخته های فکری) با دقت از تراوش های فکری هموطنان ، خود و دیگران را مستفید بسازند.

## استقبال محترم پروفیسردکتور سیدخلیل الله «هاشمیان» از رساله یکی از شاگردان شان

دیدن نوشته استاد ارجمند محترم پوهاند «هاشمیان» در شماره دیورپورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» باعث مسرتم شد. گرچه نوشته های محترم «هاشمیان» را در شماره های مختلف «آئینه افغانستان» مطالعه نموده بودم و هم یکی دوبار ایشان را در مصاحبه هائی برای چند لحظه در تلویزیون های افغانی دیده ام ولی یافتن نوشته ایشان در دیورپورتال و استقبال شان از یک اثر پر ارزش ملی و افشاءگرانه ، به مثابه دیدار با استاد است و مسرت خاص خود را دارد. وهم ثبوت این امر است که افراد یک جامعه با وجود تفاوت هائی در طرز دید از مسائل سیاسی ، در دفاع از آرمان مشترک ملی و ایستادگی در برابر دشمنان گوناگون ملت و میهن ، خود را در پهلوئی همدگر می یابند ؛ که این خود می تواند مثال پیاده نمودن دموکراسی از نظریه عمل باشد. من در دوره تحصیل در بخش زبان و ادبیات انگلیسی

پوهنځی ادبیات و علوم بشری پوهنتون کابل ، بین سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۸ هجری شمسی ، افتخار شاگردی استاد بزرگوار محترم «هاشمیان» صاحب را داشتم. نویسنده زنده یاد اثر «خورشید خراسان: از شخصیت سازی دروغین تا قهرمان پرستی تهوع آور» که با اسم مستعار «سهراب» نوشته است ، هم در عین دوره و در عین صنف زیر نظر استاد دکتور «هاشمیان» مصروف تحصیلات عالی بوده است.

### استاد گرانمایه وارجمند!

با عرض سلام گرم و ابراز احترامات قلبی و آرزوی صحتمندی تان می خواهم یادآور شوم که جادارد با خواندن اثری از یکی از شاگردان تان که نمونه کم نظیر اخلاق ، شرافت ، تعهد در برابر میهن ، ملت و مردم ، نمونه مبارزه و پایداری در برابر دشمن روسی ، نوکران روس و دیگر نوکران بیگانه بود بر خود بیابید ؛ همانطوریکه من به صفت هموطن ، هم صنف و دوست همواره به وی بالیده ام. به انسانی که زشت گوئی در مورد اشخاص در قاموس شخصیتش جا نداشت ولی در برابر دشمنان انسان و انسانیت ، شمشیر زبان از نیام می کشید. اسم مبارزاتی آن شاگرد شما سهراب بود (۱) وی که از خوانندگان و علاقه مندان مطبوعات دری زبان و فارسی زبان در خارج از کشور بود ، با علاقه وافر و با روحیه موشکافانه و انتقادی نشریات را مطالعه می نمود که در آنجمله مجله « آئینه افغانستان» هم بود. کاش زندگی با او وفا می کرد تا شاهد استقبال اثرش از جانب شما بزرگان می بود. من به این باورم که پژواک امروز اثرش در آن زمان می توانست بار آورنده آثار بکر دیگری شود.

در این رابطه باید متذکر شوم که به اساس گفته محترم همسر "سهراب" و دیگر اعضای خانواده اش ، وی مسوده جلد دوم اثر خود را که محتوای آن به کسی آشکار نیست ، به یک شخص مورد اعتماد خود سپرده بود تا آن را به سان جلد اول مخفیانه به طبع بسپارد ولی متأسفانه نه از آن اثر اثری است و نه هم از آن شخص. هرگاه احیاناً آن هموطن معتمد موضوع را فراموش نموده باشد و این پیام به گوشش برسد ، مرحمت نموده به پاس دوستی و ادای دین در برابر مردم و میهن ، موجودیت آن اثر را تأیید نموده و اگر امکانات چاپ آن را نداشته باشد ، لطف نموده آن را به پورتال ملی و وطنپرست «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان» و یاهم کدام مرجع مطبوعاتی متعهد و معتمد دیگری که خود بخواهد ، بفرستد تا هموطنان بتوانند از تراوشات فکری زنده یاد "سهراب" بعد از مرگ نابه هنگامش باز هم مستفید شوند.

با گرمی داشت از خاطره زنده یاد "سهراب" و با تجدید سلام و احترامات به استاد محترم پروفیسر «هاشمیان» و دست اندرکاران محترم پورتال «افغانستان آزاد - آزاد افغانستان»!

### یادداشت:

از آن جایی که بخشی از فامیل آن فرزند راستین میهن، در داخل افغانستان آنهم در قلمرو حاکمیت جنایتکاران شورای نظار به سر می برند، بناءً روی ملحوظات امنیتی از تذکر اسم حقیقی وی خود داری نموده ام .

هیوادوال کابلی